

نگاهی به استعدادها، امکانات و توانایی‌های بالقوه و بالفعل استان بوشهر با عنایت به موقعیت جغرافیایی و جغرافیای تاریخی بوشهر

دکتر سید احمد حسینی کازرونی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی بوشهر

مقاله

در آغاز پیشگفتاری داریم در خصوص سیر و سفر با تکیه بر قرآن کریم که براءت استهلالی است برای آغاز این مقاله مبسوط؛ جهانگردی و ارکان آن (منابع طبیعی، عوامل زیربنایی، تجهیزات و منابع فرهنگی) از جهات گوناگون مورد بحث قرار گرفته و شیوه‌های شناخت آن را به اجمال یادآوری شده است.

درباره قدمت شهر بوشهر همراه با نامهای قدیمی (بخت اردشیر و ...) و سازنده آن که اردشیر بابکان است و همچنین سابقه آن از دوران عیلام و کشف گورستان شغاب و پیشینه چهار هزار ساله آن و عقاید مختلف درباره وجه تسمیه این شهر و سرانجام فتح این شهر توسط قوای اسلام و سرگذشت آن در تاریخ، و درباره موقعیت کنونی آن مطالبی گفته شده است. سپس نگاهی گذرا بر دوران تاریخی آن داریم از دوره مادها تا رضاخان و ذکر نام باستان‌شناسان و تاریخ‌نویسان که در کشف مجهولات این استان، مساعدت‌هایی نموده‌اند. بانی شهر جدید بوشهر را معرفی و وضعیت آن را در دوران دویست ساله اخیر مشخص کرده‌ایم، بافت قدیم شهرستان بوشهر، مورد



مطالعه قرار گرفته و استعدادها، امکانات، توانایی‌های بالقوه و بالفعل را در دریا، صحرا، زمین و هوا برشمرده و در این قسمت، همراه با نثری دل‌انگیز به توصیف دریا پرداخته‌ایم. چاشنی آنها را ترانه‌های فایز (شاعر معاصر جنوب) قرار داده و ابیاتی آورده‌ایم که شوری دو چندان دارد.

به آثار تاریخی و باستانی بوشهر هم به‌طور مشروح و هم مختصر اشاراتی داریم (ریشهر، امامزاده عبدالْمُهَيْمَن، آب انبار قوام، عمارت مَلِک، قبر ژنرال انگلیسی، گورستان ژنرالها، کلیسای مسیح مقدس، خانه رئیس‌علی دلواری، عمارت امیریه، خانه قاضی، گورستان باستانی شُغاب، مساجد، مزارها، عمارات، بازارها، خانه‌ها و کوچه‌های قدیمی و ...) و پس از آن دربارهٔ قدمت خارگ و آثار باستانی آن مطالبی آورده شده (امامزاده، مسجد، صومعه، کلیسا، قبرستان و قلعه و ابنیه باستانی و ...) در مورد سایر شهرهای استان، از جمله برازجان و آثار باقی‌مانده در آن (کاخ کوروش، داریوش، تل خندق، تل پهن، تل طلسمی، غار چهل‌خانه، دژ برازجان و سایر اتلال و آثار دیرینه دیگر)؛ از بندر قدیمی سیراف و تاریخچهٔ مختصر آن با ذکر آثار گذشتگان مربوط به قبل یا بعد از اسلام و وجه تسمیهٔ آن، ذکر نام نویسندگان، از بندر سینیز و آبادانی آن و خراب شدن آن توسط قرمطیان و ... سخن رانده شده. امکانات و استعدادها و توانایی‌های موجود در استان در دوازده قسمت برشمرده و مسائل ترغیبی ذکر شده است. پیشنهاداتی هم در این زمینه ارائه شده است از جمله: تشکیل مجمعی از بوشهرشناسان و آشنایان به فنون جهانگردی برای هماهنگی با اولیای امور به‌جهت سامان‌دهی وضعیت گردشگری در استان (با حفظ ضوابط قانونی) بوشهر و تهیه برنامه‌های سیاحتی و نمایاندن جاذبه‌های فصلی استان در ایام مُساعد سال و تدوین برنامه‌های کوتاه مدت و بلندمدت و ایجاد هماهنگی با تورهای داخلی و خارجی، تبلیغات وسیع از طریق رسانه‌های خبری و تصویری برای نشان دادن جاذبه‌های استان. نگارش مقالات و چاپ آنها در روزنامه‌های کشور و تبلیغات وسیع و فراگستر درون‌مرزی و برون‌مرزی، برگزاری مسابقات ورزشی، کنفرانس‌ها، سمینارها در ایام مُساعد سال در بوشهر با یاری اُرگانها و سازمان‌های دولتی، مردمی، نهادها و ...

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّبِيْرَ سَبِيْرًا فِيهَا لِيَالِي وَ
اَيَّامًا اَمْنِيْنَ.



«و ما میان آنها و شهرهایی که در آنجا پرنعمت و برکت گردانیدیم، قریه‌هایی (نزدیک به هم) قرار دادیم، تا با فاصله کوتاه و سیر سفری معین، و آنها را گفتیم که در این راه شبها و روزها با ایمنی کامل، مسافرت کنید.» (قرآن کریم)

دنیای امروز، دنیایی است پُر از شگفتیها و جاذبه‌ها. کشورهای مختلف با فرهنگهای متفاوت، با شهرهای کوچک و بزرگ، با رسوم و آداب و ابنیه گوناگون، با طبیعت متنوع و رنگارنگ. طبیعت برخی از این سرزمینها، مردم دیگر کشورها را به دیدن شگفتیها فرا خوانده و صنعت جهانگردی، این رابطه‌ها را تسهیل و تحکیم بخشیده است. جهانگردی، پلی است مابین کشورها و فرهنگهای دور و نزدیک، همچنین پیونددهنده انسانها و ملتها با یکدیگر است.

جهانگردی، ما را به دنیاهای دیگر می‌برد؛ با فرهنگ، سیاست، جامعه، تکنیک و طبیعت‌های تازه، آشنایمان می‌سازد. به توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی یاری می‌دهد و موجب اشتغال‌زایی می‌شود. دوستی و صلح، میان کشورها را فراهم می‌سازد و موجب ارتقای سطح دانش و آگاهی انسانها می‌گردد.

نکته مهم در جهانگردی عصر ما، همگانی شدن آن است. در روزگاران گذشته، سیاح کسی بود (مانند مارکوپولو) که اختصاصاً جهانگردی را پیشه نموده و سیاحت‌نامه‌نویسی، ثمره کارش بود. لیکن، امروز جهانگردی، جنبه عام و همگانی یافته است. هر کسی که به سیر و سیاحت کوتاهی پردازد، جهانگرد محسوب می‌شود و این تحول، جهانگردی را به صورت صنعت و حرفه‌ای جدید و مؤثر در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی درآورده است. کشورهای مختلف دنیا به عنوان یک صنعت درآمدزا و توسعه‌آفرین به جهانگردی، ارج بسیار نهاده و در ترویج و گسترش آن، تلاش فراوانی نموده‌اند. کشورهای پیشرفته با استفاده از جاذبه‌های صنعتی و کشورهای دیگر با بهره‌گیری از جاذبه‌های طبیعی و محیط وحش می‌کوشند تا از این صنعت به عنوان منبعی درآمدزا بهره‌مند گردند.^۱



ارکان جهانگردی

کمیت و کیفیت فعالیت‌ها و خدمات، نقش تعیین‌کننده‌ای را در موفقیت یا ناموفق بودن جهانگردی در هر منطقه ایفا می‌کند که در زیر به شرح یکایک آنها می‌پردازیم.

۱- منابع طبیعی: که به صورتهای گوناگون در هر منطقه‌ای وجود دارد و برای جلب جهانگردان از آنها بهره‌برداری می‌شود. منابع طبیعی موجود در دنیا، همچون آب و هوا، جنگلها، سواحل دریا، حیوانات خاص هر منطقه، گلها و گیاهان، کوهستانها و نظایر آنها هستند.

۲- عوامل زیربنایی: مانند شاهراهها، فرودگاهها، خطوط راه‌آهن، جاده‌ها، پارکینگها، پارکها، امکانات روشنایی، تسهیلات دریایی و بندری، اتوبوس و ایستگاه راه‌آهن، هتلها، متلها، رستورانها مراکز خرید، استراحتگاهها، اماکن تفریحی، موزه‌ها، مغازه‌ها و ... هستند. همچنین سیستمهای تصفیه آب آشامیدنی، سیستمهای سوخت‌رسانی، ارتباطات و سیستمهای بهداشتی، از جمله عوامل زیربنایی مهم در جهانگردی به‌شمار می‌آیند.

امکانات اقامتی یا هتلها، از جمله زیربنای مهم در جهانگردی هستند. جهانگردان، غالباً به محلی که مطابق شیوه مهندسی محلی ساخته شده است بیشتر جلب می‌شوند تا به هتل جدیدی که به احتمال قوی در کشور خود دیده‌اند. به این موضوع باید توجه شود؛ زیرا غالباً افراد بدین جهت مسافرت می‌نمایند که خود را در محلی کاملاً متفاوت از محل زندگی خود بیابند. اگرچه تسهیلاتی از قبیل تهیه مطبوع، گرمای مرکزی و لوله‌کشی آب تصفیه شده باید در ساختمانها استفاده شود.

این امکانات به‌نحو مطلوب، در عمارتهای قدیم بوشهر که در اکثر نقاط شهر بوشهر و اطراف آن پراکنده است، وجود داشته تا اشخاص راغب بتوانند با تشخیص کمیته‌ای مرکب از نمایندگان میراث فرهنگی، اداره کل ارشاد اسلامی، سازمان مسکن، فرمانداری و شهرداری بوشهر و سایر مناطق با وامهای بلند مدت بانکی و تسهیلات ویژه، آنها را خریداری و به این عمل اختصاص دهند.

۳- تجهیزات حمل و نقل: شامل کشتیها، هواپیماها، اتوبوسها و خودروهای سواری، تاکسیها و حیثاً ترن‌ها و تسهیلات مشابه از جمله تجهیزات حمل و نقل مسافران هستند.



۴- منابع فرهنگی و روحیه مهمان‌نوازی: این منابع، شامل آثار فرهنگی است که باعث جلب بسیاری از جهانگردان می‌شود. روحیه مهمان‌نوازی را می‌توان از نحوه خوش‌آمدگویی کارکنان یک سازمان علاقه‌مند، مؤدب و صمیمی بودن آنها، تمایل به ارائه خدمت قابل قبول و سایر رفتارهای گرم و دوستانه آنان درک کرد. منابع فرهنگی هر منطقه نیز شامل هنرهای مستزفه، ادبیات، تاریخ، موسیقی، هنرهای نمایشی، ورزشها و سایر فعالیتهای فرهنگی است.

جاذبه‌های جهانگردی موفق را می‌توان از ترکیب منابع فرهنگی به‌دست آورد. مثلاً: وقایع و مسابقات ورزشی، جشنواره‌های ملی و سنتی و بازیها و مسابقه‌ها در زمره این ترکیبات فرهنگی هستند.

با تعریفی که از جهانگردی بدان اشاره شد باید از زوایا و دیدگاههای متفاوتی به جایگاه جهانگردی در استان بوشهر نگریست تا شناخت کاملی از آن به‌دست آید.

امکانات و استعدادها و توانایی‌های موجود در استان

۱- نظر به زودرس بودن بهار در استان بوشهر، دامنه کوهها، پهن دشت زمینها، و پیرامون رودخانه‌ها از بهمن ماه سرسبز و خرم می‌شوند. پرندگان مهاجری که از دشتهای سیبری و از آن سوی مرزها می‌گذرند تا به این مناطق برسند، مناظر بدیعی را در زمین و هوا به‌وجود می‌آورند. این امکانات طبیعی، با تهیه گزارشاتی مستند می‌تواند دل مشتاقان را به‌سوی این مناظر خدادادی بکشاند و جانها را از دغدغه‌های روزگار رها سازد.

۲- اسکی روی آب و شکار ماهی، قایق‌سواری، گردش کنار ساحل در فلق بامدادی و شفق شامگاهی، در آن هنگام که کسی یارای خارج شدن از خانه و کوچه و شهر و دیار خود را ندارد. این منطقه با گرمای محبت‌آمیز دریا و دریانشینان و شهر و شهروندان، سرمازدگان را به دیار خود می‌خواند و با هوای مطبوع صبحگاهی‌اش، روانشان را صفا می‌بخشد.

۳- سوارکاری در کنار ساحل و فراختای دشتهای و شکار برخی از پرندگان و حیوانات اهلی و تماشای نخلهای سر به فلک کشیده و درختان بومی منطقه می‌تواند برای جهانگردان داخلی و خارجی لذت‌بخش باشد.



- ۴- پارک جنگلی چاه کوتاه با ویژگی‌های منحصر به فرد خود، می‌تواند یکی از مراکز تفریحی جذاب برای مسافران و جهانگردان باشد.
- ۵- طلوع و غروب خورشید در میان نخلستانها و گذشت آفتاب از میان خوشه‌ها و برگهای آن یا عبور نور از لابه‌لای درختان گل ابریشم‌ها، گرها، کنارها و بائل‌ها، یکی دیگر از تابلوهای بدیع منطقه است که چشم‌ها را خیره می‌سازد.
- ۶- غذاهای دریایی خاص منطقه، همراه با ادویه‌ها و چاشنیهای خوشبو و اشتهابرانگیز و خوراکیهای ویژه محلی، می‌تواند برای مسافران و جهانگردان رغبت‌انگیز باشد.
- ۷- وجود هتلها، مسافرخانه‌ها و احیاناً مهمان‌پذیرهای مردمی، هرکدام به نوبه خود می‌تواند گره مشکلات جهانگردان را بگشاید و شهرداریها با در اختیار داشتن کمپها و چادرهای مناسب می‌توانند رضایت نسبی مهمانان را فراهم نمایند.
- ۸- برگزاری تورهای داخلی استان و بازدید از آثار باستانی، قطبهای جذاب شهرها و مناطق استان، یکی دیگر از امکاناتی است که به راحتی در اختیار مسافران و جهانگردان می‌تواند قرار بگیرد.
- ۹- راه زمینی بوشهر به شیراز و مسافرت از طریق زمینی در ماههای زمستانی، یکی از جذاب‌ترین دیدنیهای این سفر است و از جالب‌ترین جاده‌هایی است که با داشتن مختصات طبیعی و گذر از کوه و کمر و دشت و دره، حاشیه رودخانه، مسیر راهها، می‌تواند مناظر بدیعی را در آینه دیده‌ها مجسم سازد.
- ۱۰- وجود فرودگاه بزرگ بوشهر با امکانات پروازهای متعدد در اوقات مختلف روز و شب، یکی دیگر از تسهیلات ویژه‌ای است که رنج سفر زمستانی را برای جهانگردان آسان می‌کند.
- ۱۱- امکانات سفر دریایی با کشتیهای مجهز برای رفت و آمد بین جزایر خلیج فارس و بحر عمان و امارات خلیج فارس.
- ۱۲- وجود امکانات رفاهی، برای مردم استانهای سرد و معتدل و همجوار مانند فارس، کهکیلویه و بویراحمد و چهارمحال بختیاری و اصفهان و مناطق دیگر کشوری که مردمش می‌توانند با آگاهی از امکانات طبیعی و آب و هوای لطیف فصلی به این استان سفر کنند.



استعدادهای نهفته و خداداد در دریا و زمین و وجود برخی از امکانات در این استان آن را یکی از مراکز مهم توریستی کشور کرده است. قریب شش ماه از سال (اول آبان ماه تا پایان فروردین ماه) جاذبه‌های زیبا و آب و هوای مناسب دارد که با ارائه اطلاعات و تبلیغات از طریق رسانه‌های همگانی، می‌توان از توانایی‌های بالقوه این استان در تمامی زمینه‌ها، به نفع اقتصاد منطقه، به جذب توریستهای داخلی و خارجی در این مدت طولانی از سال مبادرت کرد.

این منطقه خاص جغرافیایی، دریا و خشکی، دشت و دره و کوه و جلگه و چشمه و تالاب و برخی دیگر از مواهب طبیعت را همه در خود جمع کرده است. از یک طرف، زیبایی‌های ساحل دریا در طلوع و غروب خورشید، موسیقی خیزابها، نوای مرغان دریایی، رقص ماهیها در درون آب، آواز قایق‌رانان، فرو رفتن موجهای بُریده از نَفَس در ماسه‌های ساحلی، آسمان شفاف، هوای پاک و خنک و باد ملایم در نیمی از ایام سال، آفتاب مطبوع، شکار ماهی در کناره‌ها، زمزمه امواج، رنگ آبی و سبز دریا، چشم را خیره، اعصاب را آرام و جان را طراوتی دیگر می‌بخشد. در انتهای افق شب، سوسوی فانوسهای دریایی، نغمه و نوای موجها و تاریکی مطبوع، آدم را به رؤیاهای دلکش و شیرین فرو می‌برد.

موسیقی بندری همراه با ریتمها و حرکتهای موج‌گون نوازندگان سفیدپوش محلی که مایه‌ای دریایی و حالتی از فراز و نشیب امواج یا آرامی آنها دارد، انسان را به دنیای کرامتهای عرفانی می‌برد و بدون های و هوی خود را مستغرق در بحر فنای احدیت می‌بیند و شیدای «خال لب دوست» می‌شود. در طریقی فراتر از دریا و آسمان و زمین گام بر می‌دارد، آنجا که هیچ دغدغه‌ای نتواند خانه دل را پریشان کند، آدم خود را سبک و فارغ‌البال می‌بیند؛ سُکر و مستی روحانی، سرآپایش را فرا می‌گیرد و از زمین خاکی رهایش می‌سازد. همان‌گونه که پرتو ستارگان و نور ماه در آب می‌آفتد و پیوندی ناگسستنی میان دریا و آسمان برقرار می‌شود. شب وصال بدین‌گونه به پایان می‌رسد و بار دیگر انوار شفق بر موجها بوسه می‌زنند و بامدادی نو آغاز می‌گردد.

از طرفی دیگر، دشتهای وسیع تنگستان و دشتی و دشتستان، آغوش خود را به روی مسافران و جهانگردان می‌گشایند و آنان را به پهن دشت جلگه‌ها و به دیدن زندگانی آرام روستایی دعوت می‌کنند. مرغان هوا در هوای لطیف کوهپایه‌ها می‌خوانند:



بهار آمد، زُمرد سان زمین شد
 در و دشت و چمن، صحرای چین شد
 بیا بنشین، تو هم در پیشِ فایز
 که بُلبل با گل خود هم‌نشین شد

قَدت، گُل، قامتت گُل، کفش پا گُل
 سخن گُل، معرفت گُل، مُدعا گُل
 به گُل چیدن درآمد یار فایز
 سَر و گردن، گُل و نشو و نما، گُل

مگر یار آمده بر پُشت بامم
 که بوی جَنّت آید بر مشامم
 فرود آ، گرچه فایز نیست قابل
 بیا بنشین، نگه دار، احترامم

بیا کز حد گذشت، ایام دوری
 کنم تا کی ز مهجوری، صَبوری
 اگرچه دوری از چشمان فایز
 ولی با دل، تو دایم در حضوری

فایز دشتستانی «شاعر معاصر جنوب»

بافت قدیم بوشهر

به‌طور کلی، شکل خانه‌های قدیمی بوشهر به‌خوبی نشان‌دهنده وضعیت جغرافیایی این منطقه است. شکل عمومی آنها ساده و به سبک معماری «بیت میلانی» است. این تیپ خانه‌ها را در بوشهر و سایر شهرهای مهم سواحل شمالی خلیج فارس و نیز شمال سوریه می‌توان مشاهده کرد. در جلوی بعضی از این خانه‌ها راهروی ستون‌داری وجود دارد که از یک طرف به در اتاقها و از طرف دیگر، به فضای باز حیاط مربوط است. سقف اتاقها، بیشتر با بوریا و تیرکهای جنگلی و تخته پوشانیده می‌شود. بام خانه‌ها مسطح و در حاشیه آنها، دیوارهای کوتاه مشبکی قرار دارد. در طبقه همکف و در داخل اتاقها، گنجه‌های دیواری تعبیه شده است و در حیاط روبه‌روی آنها، حوض و آب انبار قرار دارد و تمامی خانه‌ها از سنگهای آهکی (مرجانی) با ملات گچ ساخته شده‌اند؛ درهای ورودی آنها، اکثراً دو لنگه و از جنس چوب جنگلی است که با حاشیه‌های زیبایی تزئین یافته‌اند.



مهم‌ترین و اساسی‌ترین نوع مصالح بومی بوشهر، سنگهای آهکی (مرجانی) هستند. این سنگ از رسوبات دریایی فراهم شده و در میان لایه‌های آن، آثاری از گیاهان، جانداران و به‌ویژه گوش‌ماهی فراوان یافت می‌شود. این سنگهای آهکی در انواع ریزدانه و درشت دانه یافت می‌شوند. به‌جرت می‌توان گفت که تمام بناهای بوشهر، حداقل تا سی سال گذشته با این سنگ ساخته شده‌اند. سنگی که هم در پی‌سازی کارایی داشت، هم در دیوارها و جرزها و هم در دیوارهای حائل و جداکننده. سنگهای مرجانی با توجه به طبیعت دریایشان در محیط رطوبتی به‌خوبی کار می‌کنند.

پیشنهادها

پیشنهاداتی با عنایت به جاذبه‌های طبیعی و باستانی و سیاحتی و با توجه به امکانات موجود در استان، جهت جلب و جذب جهانگردان داخلی و خارجی به شرح زیر ارائه می‌نماید:

۱- تشکیل مجمعی ویژه از بوشهرشناسان و آشنایان به فنون جهانگردی و ایجاد دفتری در استانداری یا اداره کل ارشاد اسلامی، با سازمان جهانگردی برای هماهنگی با اولیای امور و برنامه‌ریزی و تهیه برنامه‌های سیاحتی و نمایاندن جاذبه‌های فصلی استان در ایام مساعد سال و تدوین برنامه‌های کلی و جزئی (موقت و دائم، کوتاه‌مدت و درازمدت) و ایجاد هماهنگی با تورهای داخلی و خارجی.

۲- تبلیغات وسیع به‌جهت برگزاری مسابقات ورزشی، کنفرانسها، سمینارها و تشکیل اردوهای زمستانی ارگانها و سازمانهای دولتی و مردمی در این استان.

۳- تهیه فیلمهای مستند از گشت و گذارهای دریایی و تفریحات زمستانی با توجه به مساعد بودن هوا در سواحل دریای بوشهر، توسط سیمای ایران و پخش آنها از شبکه‌های سراسری برای آگاهی همگانی.

۴- چاپ و تکثیر بروشور و تهیه و تنظیم مجموعه مقالات و گزارشهایی از دریا و دشتها و کوهستانهای این استان، که نویسندگان و عکاسان و گزارشگران خبره (که البته در خود منطقه



وجود دارند) و چاپ آنها در روزنامه‌ها و مجله‌های کثیرالانتشار کشور برای ترغیب جهانگردان برای مسافرت به این استان.

۵- در تهران و شهرهای بزرگ و کوچک مملکت، کسانی هستند که حاضرند برای فرار از دغدغه‌های شهر خود، تعطیلات پایان هفته زمستانی خود را در منطقه‌ای خوش آب و هوا بگذرانند و برای این امر، هزینه‌های گزاف بپردازند. باید با دادن اطلاعات بالقوه و بالفعل این استان، ویژگی‌های منطقه را به آنها شناسانید و در نتیجه آنها را به سواحل این استان کشانید.

۶- اجرا و پخش موسیقی سنتی با سازهای محلی (نی هنبانه) و (دایره و تنبک) به‌طور مستقیم یا از طریق تلویزیونهای مدار بسته در هتلها یا در کنار دریا کنارها و مناطق باز (در ساعتهای معین) تا به نشاط مسافران بیفزاید.

۷- نظر به حُسن همجواری با امیرنشینهای خلیج فارس، تبلیغات وسیعی صورت پذیرد تا راغب شوند اجلاسهای گوناگون سیاسی، اقتصادی و سیاحتی خود را در ایام مساعد سال در این استان برگزار کنند و با ایجاد نمایشگاهها و بازارهای مشترک، بازرگانان و جهانگردان داخلی و خارجی را به این استان جذب کنند.

۸- با عنایت به وجود امکانات ورزشی و شوق و ذوق مردم به‌ویژه در زمینه فوتبال، ترتیبی داده شود تا تیمهای ورزشی امیرنشینها جهت برگزاری مسابقات در این ایام سال به بوشهر رفت و آمد نمایند و به‌جهت تبلیغ برای جلب جهانگردان، اخبار و تصاویر ورزشی از رسانه‌های خبری و تصویری ایران و این کشورها پخش شود.

۹- تا جایی که ممکن است بعضی از مسابقات ورزشی کشور در زمستان، در این استان برگزار شود.

۱۰- با ارائه اطلاعات بازاریابی در مورد فهرست کالاهای مجاز صادراتی و وارداتی، میان ایران و امارات، نمایشگاهی دائمی در این بندر دایر شود تا برنامه‌های لازم، به‌جهت هماهنگی میان بازرگانان دو طرف برای تبادل اطلاعات فراهم گردد.

اعراب همسایه ایران، چون عمدتاً امکانات مالی خوبی دارند، می‌توانند جهانگردان خوبی برای این منطقه و در نهایت برای همه ایران باشند؛ زیرا آب و هوای مناسب و طبیعت زیبای دشتهای



و کوههای این استان در دو فصل پاییز و زمستان می‌تواند برای آنها رغبت‌انگیز باشند. از طرف دیگر، چون آنها بیشتر از کمپ و چادر و خیمه استفاده می‌کنند می‌توان با تبلیغاتی مناسب، آنها را به جلگه‌ها و دشتهای وسیع این استان کشانید و اقتصاد منطقه را شکوفا کرد.

۱۱- مردم کشورهای تازه استقلال‌یافته روسیه از جمله کسانی هستند که آب و هوای این منطقه با شرایط جوی مناسب، برایشان نشاط‌انگیز است. به شهادت تاریخ، آنها همیشه آرزوی دسترسی به آب‌های گرم خلیج فارس را در سر می‌پرورانیده‌اند.

۱۲- برای جذب جهانگردان اروپایی و دیگر قاره‌های دنیا، باید تبلیغات همه‌جانبه‌ای را سفارت‌خانه‌های ایران در خارج از کشور به‌عمل آورند و آب و هوا و امکانات تفریحی و سیاحتی را برای آنها بنمایانند.

موقعیت جغرافیایی و جغرافیای تاریخی بوشهر

استان بوشهر با مساحتی در حدود ۲۷۶۵۳ کیلومتر مربع، بین مدار ۲۷ تا ۳۰ درجه و ۱۴ تا ۱۶ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ تا ۵۲ دقیقه طول شرقی در جنوب‌غربی ایران و در کنار دریای خلیج فارس قرار گرفته است. مرکز این استان، شهرستان بوشهر است به مساحت ۹۸۴/۵ کیلومتر مربع که در مدار ۵۰ درجه و ۵۱ دقیقه طول جغرافیایی شرقی و ۲۸ درجه و ۵۹ دقیقه عرض جغرافیایی شمالی واقع است. شهر بوشهر نیز در مدار ۲۹ درجه و ۲۰ دقیقه عرض شمالی و ۵۰ درجه و ۵۵ دقیقه طول شرقی در منتهی‌الیه شبه جزیره‌ای صدفی مرجانی به طول ۸ تا ۱۰ کیلومتر و به عرض ۲ تا ۳ کیلومتر به شکل مثلثی مختلف‌الاضلاع در دل خلیج فارس قرار دارد. فاصله بوشهر تا شیراز ۲۷۰، تا تهران ۱۱۱۶ و تا اهواز حدود ۵۰۰ کیلومتر و تا نزدیک‌ترین شهرستان خود یعنی دشتستان ۷۰ کیلومتر است.^۲

شهر بوشهر یکی از نقاط قدیمی و کهنسال تمدن ایران زمین است که دارای قدمتی چند هزار ساله است. براساس کشفیات باستان‌شناسی و آثار به‌دست آمده از این ناحیه، معلوم شده است که قدمت بوشهر به سه هزار سال قبل از میلاد مسیح (ع) یعنی در حدود پنج هزار سال می‌رسد.^۳ محمدتقی مصطفوی در کتاب *آثار باستانی در خلیج فارس* درباره بوشهر می‌گوید: «بوشهر که یکی



از مهم‌ترین آثار باستانی خلیج فارس است و ویرانه‌های ریشهر قدیم و آثار باستانی دیگر و شهر کنونی بندر بوشهر را دربردارد.^۴ و این در حالی است که هنوز تحقیقات دقیق و کاوشهای مفصلی در ناحیه بوشهر و ریشهر قدیم صورت نگرفته است و شاید اگر کاوشهای دقیق باستان‌شناسی در منطقه بوشهر انجام شود قدمت بوشهر به زمان عیلامیها برمی‌گردد. مطابق خشت نوشته‌های عصر عیلامی که در ۱۳۳۲ق/ ۱۹۱۳م از طرف هیئت باستان‌شناسی فرانسوی در محلی به نام «تل پی تل» که به معنی تپه‌ای در کنار تپه‌ای است در جنوب محله امامزاده بوشهر بر اثر خاک‌برداری و به‌طور اتفاقی به دست آمده معلوم شد که معبد خدای بزرگ عیلامی یعنی شوشیناک در این منطقه قرار داشته است. همچنین براساس نوشته‌هایی که از روی خشتهای خام و پخته به دست آمده نام قدیمی این منطقه آشکار شده است، گویا در آن زمان این منطقه را «لیان» می‌گفته‌اند. لیان نامی عیلامی است به معنی آفتاب درخشان یا سرزمین آفتاب درخشان که در حقیقت برای این سرزمین گرم و آفتابی، نامی بسیار مناسب است.^۵

پروفسور آندریاس آلمانی در ۱۲۹۰ق/ ۱۸۷۲م و پیزارد، عتیقه‌شناس فرانسوی، در ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۴م در خرابه‌های ریشهر اکتشافات مهمی نمودند که از جمله چند مجسمه فلزی، سکه‌های قدیمی و چند لوحه سنگی به خط میخی و چند خمره استخوان مردگان که تاریخ فوت بعضی از آنها در حدود هزار سال پیش بوده و هم اکنون بعضی از آن آثار در موزه لوور فرانسه نگهداری می‌شود.^۶

بوشهر در عهد عیلامیها یکی از مراکز مهم فرهنگی و تجاری به‌شمار می‌رفته و شهر تاریخی لیان، پل ارتباطی عیلامیان با نواحی اقیانوس هند و جنوب شرقی آسیا بوده است. پادشاهان معروف عیلامی در دوران طلایی تمدن عیلام، معابد و بناهای مذهبی چندی احداث کرده بودند. از جمله این بناها می‌توان به معبد «کیریری شه»، ایزد بانوی تمدن عیلامی در منطقه دستک (Dastak) و سرتل (Sare-tol) امروز اشاره کرد.^۷

در دوران ماد و هخامنشی، تمدن بوشهر به حیات خود ادامه داد و بخصوص در زمان هخامنشیان، پادشاهان این سلسله، کاخها و معابد چندی در نواحی توج (توز) و برازجان بنا



نمودند که از جمله به بقایای کاخ زیبا و مجلل هخامنشیان در تأکه (برازجان) و تل‌مُر مربوط به دوره هخامنشی می‌توان اشاره نمود که ویرانه‌های آن اکنون باقی مانده است.^۸

در زمان سلوکیان بوشهر مورد توجه یونانیان قرار گرفت یونانیان این شهر را «مزامیریا» نامیده‌اند، واژه مذکور در سفرنامه نئارخوس آمده و منظور از آن شبه جزیره بوشهر بوده است.^۹

براساس پژوهشهای گیرشمن، باستان‌شناس معروف فرانسوی، سلوکیها در کناره‌های خلیج فارس و بوشهر کنونی شهری به نام انطاکیه بنا کردند که مدت‌ها رونق و آبادی بسیاری داشت. گیرشمن در این باره می‌گوید: «سلوکیان کمتر از نُه شهر در ساحل خلیج فارس بنا کردند و از آن جمله است انطاکیه در پارس- بوشهر امروزی- که جانشین شهر عیلامی گردید.»^{۱۰} در زمان ساسانیان بوشهر همچنان مورد توجه و عنایت ویژه‌ای بوده است. در کارنامه اردشیر بابکان بوشهر قدیم را به شرح زیر «بوخت اردشیر» نامیده‌اند: «چونش دریا به چشم بدید [اردشیر بابکان] اندر یزدان سپاسداری انگارد و بدآنجا روستایی را بوخت اردشیر (محل آزادی اردشیر) نام نهاد.»^{۱۱}

بعدها در زمان ساسانیان این شهر «ریو اردشیر» نام گرفت^{۱۲} و یکی از مراکز علمی، فرهنگی ایران در زمان ساسانیان محسوب می‌شد، لذا گروهی از نویسندگان در این شهر (ریشهر) گرد هم آمدند و با خطی ابداعی به نام «گشتگ» علوم طب و نجوم و فلسفه را ثبت و ضبط می‌کردند به نحوی که از شهرت زیادی برخوردار شده و تحت نام «گشتگ دفتران» در سلسله طبقات اداری عصر ساسانی مورد توجه خاص بوده‌اند.^{۱۳} ساسانیان همواره به ریو اردشیر که بندری تجاری، فرهنگی و نظامی بود توجه بسیار می‌کردند و در این شهر که بعدها به ریشهر (Reishahr) تغییر نام یافت قلعه نظامی مستحکمی بنا نمودند. این قلعه نظامی که برج و باروهای بلندی داشت از یک طرف مشرف به دریا و از سه طرف آن خندقهای عظیمی داشته که به هنگام حمله احتمالی دشمن یا بروز هرگونه خطری، ملامال از آب دریا می‌شده است، همچنین نقبها و تونلهای زیرزمینی چندی به طول پنج تا هفت کیلومتر در زیرزمین حفر شده بود که قطر این تونلها به اندازه یک اسب سوار بوده است.

هم اکنون ویرانه‌های قلعه ریشهر در منطقه ریشهر کنونی وجود دارد و نقبهای آن نیز در

منطقه تل پی تل قابل مشاهده است.^{۱۴}



با سقوط سلسله ساسانی به دست اعراب مسلمان، تمدن و فرهنگ ریشهر نیز روی به اضمحلال گذاشت. بنابر نقل بلاذری در فتوح البلدان، شهر بوشهر را در فاصله سالهای ۱۹ تا ۲۲ هجری قمری عثمان بن ابی العاص فتح کرد. مسلمانان برای تصرف این شهر ماهها با نیروی مستقر در بوشهر در جنگ و ستیز بودند و تلفات سنگینی متحمل شدند. سردار معروف ایرانی که در مقابل اعراب در بوشهر مقاومت نمود، «شهرک» نام داشت، بلاذری در این باره می‌نویسد: شهرک مرزبان و والی فارس، آمدن تازیان را سخت و عظیم و گران می‌دید؛ زیرا داستان گستاخی و شجاعت و نیز پیروزی تازیان را بر همه دشمنان شنیده بود، پس لشکری عظیم فراهم آورد و به راشهر (ریشهر) در سرزمینهای خوره شاپور شد، آنجای خود در نزدیکی توج است.^{۱۵}

شهرک بعد از مقاومت‌های فراوان سرانجام به دست یکی از سپاهیان اعراب مسلمان کشته شد و به این ترتیب ریشهر یا بوشهر به دست مسلمانان فتح شد.^{۱۶} بلاذری جمله‌ای نقل می‌کند که عمق غنای مادی و اهمیت فتح بوشهر را مشخص می‌کند، وی می‌نویسد: «این جنگ در دشواری و کثرت نعمتی که به دست مسلمین افتاد همانند جنگ قادسیه بود».^{۱۷}

از احوال ریشهر (بوشهر) از زمان فتح مسلمانان تا نادرشاه افشار (سلطنت ۱۱۶۰-۱۱۴۹ق/ ۱۷۴۷-۱۷۳۶م) اطلاعات اندکی در دست است. ضربه‌ای که اعراب به این شهر وارد آوردند موجب شد که ریشهر مرکزیت و اهمیت خود را برای چندین قرن از دست بدهد و به شهری متروک و منزوی مبدل شود.

با گسترش قلمرو نادرشاه افشار تاریخ جدید بوشهر نیز آغاز شد. نادر و سیاست دریایی او برای مبارزه با عثمانیها و گسترش قلمرو دریایی خود در خلیج فارس سبب گردید تا بار دیگر به این شهر توجه شود. نادرشاه با به‌کار گماردن یک تاجر انگلیسی به نام جان التون بوشهر را به صورت یک مرکز مهم کشتی‌سازی و پادگان نظامی درآورد. بنابه گزارش هلندیها در زمان نادرشاه، ناوگانی با هشت تا ده هزار مرد در بوشهر مستقر بوده است، همچنین چندین کارخانه کشتی‌سازی نیز در این شهر احداث شده بود.^{۱۸}



مورخان و سیاحان انگلیسی که چندین سال بعد به بوشهر سفر کرده‌اند، از چندین کشتی نیمه‌ساخته در این شهر گزارش داده‌اند، که محصول کارخانه کشتی‌سازی نادرشاه افشار در بوشهر بوده است.^{۱۹}

با مرگ نادر در ۱۱۶۰ق/ ۱۷۴۷م سپاه عظیم دریایی او بین حاکم بوشهر و بندرعباس تقسیم شده شیخ ناصرخان آل مذکور، که در دوران نادر یکی از دریاسالاران وی بود، پس از مرگ شاه، کشتیها و ناوگان مستقر در بوشهر را متصرف شد و حکومت مقتدرانه‌ای برای خود در بوشهر تدارک دید. فسایی در *فارس‌نامه ناصری* در این باره می‌گوید: «شیخ ناصرخان، ناخداباشی کشتیهای نادرشاهی در دریای فارس، پسر شیخ مذکور ابومهری از اعراب بر (ساحل) نجد، طرح شهر بوشهر را ریخت، در جانب جنوبی، حصار کشید و سه جانب دیگرش را دریا قرار داد و در سال ۱۱۵۰ و اند آبادی ریشهر را نقل به بندر بوشهر نمود...».^{۲۰}

بعد از فوت او فرزندش شیخ نصرخان در ۱۱۸۲ق/ ۱۷۶۸م حکمران بوشهر شد. در زمان او و پدرش، که از اعراب نجد بودند، بوشهر روی به عمران و آبادی گذاشت و روابط تجاری گسترده‌ای با هلندیها و انگلیسیها برقرار شد.^{۲۱}

با ظهور کریم‌خان زند (سلطنت ۱۱۹۳- ۱۱۷۱ق/ ۱۷۷۹- ۱۷۵۷م) و پایان دوره هرج و مرج ناشی از مرگ نادرشاه، بوشهر وارد مرحله تازه‌ای شد. در ۱۱۷۷ق/ ۱۷۶۳م انگلیسی‌ها با حمایت شیخ نصرخان قرارداد معروفی با کریم‌خان زند و حکمران بوشهر منعقد کردند که در واقع سنگ بنای حضور نظامی استعماری انگلستان در جنوب ایران و خلیج فارس بود و چنان‌که دکتر امین می‌نویسد؛ انگلیسیها تا آن تاریخ هرگز چنین امتیازی در خلیج فارس به دست نیاورده بودند.^{۲۲}

پس از مرگ کریم‌خان زند و نزاع و کشمکش بین بازماندگان وی بر سر قدرت، آقامحمدخان قاجار به قدرت رسید. در دوران قاجار، بوشهر نه تنها اهمیت خود را از دست نداد، بلکه به صورت یکی از مراکز بسیار مهم تجاری، فرهنگی و سیاسی درآمد. بوشهر در دوره قاجار شهری بود که اکثر دولتهای بزرگ دنیا در آن دفتر نمایندگی و کنسولگری داشتند، تجار بزرگ در آنجا فعالیت تجاری انجام می‌دادند و دروازه جنوبی ایران برای تبادل افکار و مناسبات فرهنگی بود.



بوشهر در تحولات دو قرن اخیر نقش خاصی داشته و در سه نوبت مورد هجوم نیروهای انگلیسی قرار گرفته است که از جمله معروف‌ترین این تهاجمات، ماجرای لشکرکشیهای انگلستان به این بندر در سالهای ۱۲۵۳ق/ ۱۸۳۷م و ۱۲۷۳ق/ ۱۸۵۶م است. در لشکرکشی دوم، باقرخان تنگستانی به همراه فرزندش احمدخان در قلعه ریشهر مقاومت سرسختانه‌ای در مقابل سپاه متجاوز انگلیس از خود نشان دادند.^{۳۳}

بوشهر از دیدگاه فرهنگی، یکی از مراکز قدیم علم و تمدن کشور محسوب می‌شود. دلیسی اولیری^{۳۴}، شرق‌شناس انگلیسی، در دو کتاب برجسته خود درباره تاریخ ادبیات سریانی و انتقال علوم و فرهنگ یونانی به عالم اسلام از سه دانشگاه مهم در ایران یاد می‌کند که معروف‌ترین آنها جندی شاپور در خوزستان و بعد از آن دانشگاه یا مدرسه ریو اردشیر، واقع در ریشهر (محلای در بوشهر کنونی) یاد می‌کند که سیستم آموزش و پرورش آن مانند مدرسه اسکندریه در مصر بوده که آخرین مدرسه یونانی و مربوط به پاییز تمدن یونان محسوب می‌شود و سومین دانشگاه در «شیز» در کنار خلیج فارس - واقع در بندر دیلم کنونی، در انتهای جنوبی استان بوشهر بوده است. در دوره معاصر، دبیرستان سعادت بوشهر که در ۱۳۷۸ش تأسیس شده است بعد از دارالفنون از مدارس قدیمی ایران محسوب می‌شود.

هم اکنون در بخش تحصیلات عالی، علاوه بر دانشگاه آزاد اسلامی (نخستین دانشگاه بعد از انقلاب اسلامی در بوشهر)، دانشگاه‌های دولتی خلیج فارس، علوم پزشکی، پیام نور، جامع علمی کاربردی، چند مرکز عمده آموزش عالی دیگر (مدیریت دولتی، شیلات و کشتیرانی و ...) در بوشهر مشغول فعالیت‌اند و از این جهت، بوشهر یکی از مراکز عمده تحصیلات دانشگاهی در جنوب کشور محسوب می‌شود.

آثار تاریخی و باستانی (استان بوشهر)

آثار باستانی و تاریخی بندر بوشهر - شبه جزیره بوشهر، از مهم‌ترین آثار باستانی خلیج فارس است که ویرانه‌های قدیم ریشهر، «تُلِ پی تُلِ» (Tol-e Pey tol)، ویرانه‌های باستانی «شاه‌نشین»، بین



آبادهای ریشهر و رونی «Rounee»، گورستان شغاب و آتلال و آثار دیگر را می‌توان برشمرد که هم اکنون به شرح مختصری از آنها می‌پردازیم:

ریشهر: ویرانه‌های ریشهر، گنجینه‌ای از آثار و تمدن دوران عیلامی و ساسانی است که در دوازده کیلومتری بوشهر واقع شده است. هیئت باستان‌شناسی فرانسوی در ایران به سرپرستی آقای پزار در ۱۹۱۳م چند کاوش در ریشهر نزدیک بندر بوشهر به عمل آورد. ریشهر، احتمالاً همان شهر قدیم لیان است. در این محل، سُغلهای رنگین از عهد شوتروک ناخونته پیدا شده است.

قبرستان شُغاب: این قبرستان در جنوب شهر بوشهر واقع است و چند سال پیش، اداره حفظ میراث فرهنگی بوشهر، آن را کشف کرده است. در این قبرستان، اسکلت اموات در داخل خمره‌های بزرگ و کوچک نخودی رنگ مدفون شده‌اند. اشیای کشف‌شده دیگر در این قبرستان، در خمره‌های سفالی بزرگ و کوچک قیراندود شده قرار گرفته‌اند که تابوتهای سنگی مکعب شکل و مهره‌های عقیق تزئینی هستند.

امامزاده عبدالْمُهَیْمَن: این امامزاده در هشت کیلومتری جنوب‌غربی بوشهر در محله بهمنی واقع شده که طبق شجره‌نامه از اولاد حضرت عباس بن علی بن ابوطالب و در زمان مأمون، خلیفه عباسی می‌زیسته است. بنای قدیمی آن بر اثر زلزله به کلی خراب و مجدداً حدود یک قرن پیش، تجدید بنا شده است. این حضرت، در زمان خلافت هارون الرشید، پس از مسافرت به مصر، در بوشهر ساکن و در ۳۱۲ق در این شهر درگذشت و در جلگه ریشهر قدیم به خاک سپرده شد.

آب‌انبار قوام: ساختمان آب‌انبار قوام در محوطه بازی در کنار خیابان خلیج‌فارس قرار گرفته و مربوط به ۱۵۵ سال قبل است که با مصالح محلی در زمان قاجاریه ساخته شده است. اسکلت اصلی و طاق آن از سنگهای رسوبی خیلی مقاوم با سه دهنه ستون‌بندی به وسیله چهار طاق ساخته شده است. دو متر از آب‌انبار، خارج از زمین و ۲/۶۰ متر در داخل زمین قرار دارد. داخل آب‌انبار با پوشش ساروج بسیار مقاوم ساخته شده است. در نمای خارجی به فاصله معینی، پنجره‌هایی به ابعاد ۹۰ × ۱۲۰ تعبیه شده که از داخل جلوی آنها با شبکه‌ای از سنگ پوشیده شده است. هم اکنون این آب‌انبار با تغییراتی تبدیل به رستوران سستی گردیده است.



عمارت ملک: این عمارت به صورت مجموعه ساختمانی، متعلق به یک قرن قبل و در محل بهمنی قرار گرفته است. مساحت زیربنای آن چهارهزار مترمربع است و از قسمتهای مختلفی تشکیل یافته که در ارتباط با یکدیگرند. این طاق، را معماران ایتالیایی، با مصالح محلی ساخته‌اند. نوع و سبک ساختمان، از سبک ساختمانی متأخر سواحل خلیج فارس که به نام «بنگله» معروف شده است، می‌باشد و مربوط به اواخر دوران زند و اوایل دوران قاجار است که به مقتضای احتیاج در دوران قاجار و در زمان اقامت انگلیسیها در فاصله سالهای دوران جنگ بین‌الملل اول و سالهای بعد از آن و اوایل حکومت خاندان پهلوی در آن تغییراتی داده شد و تعمیراتی صورت گرفت، ولی متأسفانه در شرف انهدام است.

قبر ژنرال انگلیسی: قبر ژنرال در خیابان امام خمینی، روبه‌روی کوچه ابومسلم قرار گرفته و این قبر به شکل ابلیسک در داخل فضای گلخانه شهرداری ساخته شده است. منشأ این تیپ قبرها مصری است. قاعده ابلیسک که در وسط باغچه قرار گرفته، مربع بوده که چهار ضلع آن از وسط به طرف داخل فرورفتگی دارد و ارتفاع آن از سطح زمین ۱۲۶ سانتی‌متر است. در ضلع جنوبی ابلیسک چسبیده با قاعده آن، کتیبه‌ای با خط عبری و ستاره داوود مشاهده می‌شود. قبر ژنرال انگلیسی، نیز یکی از آثار شکست و فناپذیری اجانب تجاوزگر است.

گورستان ژنرالها (قبرستان امپریالیسم): در ضلع شمالی جاده آسفالته مابین بهمنی و دوآس واقع شده است. در این گورستان، اجساد افسران، درجه‌داران و سربازان متجاوز انگلیسی و مزدوران آنها که در دوران جنگ جهانی اول و ماقبل آن به قصد اشغال این آب و خاک به بوشهر حمله‌ور شده بودند مدفون هستند. این مزدوران را دستهای مسلح به سلاح ایمان دلیر مردان تنگستان به فرماندهی شهید رئیس‌علی دلواری کشته‌اند.

کلیسای مسیح مقدس: ساختمان این کلیسا نمونه بسیار جالبی از صنعت معماری ایران است. تمام پنجره‌های این کلیسا شیشه‌های الوان ایرانی دارد.

خانه شهید رئیس‌علی دلواری: این خانه در ۴۵ کیلومتری بوشهر در روستای دلواری قرار گرفته که پس از تعمیر و نوسازی تبدیل به مجموعه فرهنگی گردیده که در آینده نزدیک، موزه مردم‌شناسی استان بوشهر و دیگر فعالیتهای فرهنگی روستایی در این مکان برپا خواهد شد. مبارزات رئیس‌علی



دلواری علیه تجاوز انگلیس که به حدود نود سال پیش برمی‌گردد خاطره‌ای بس شگرف و فراموش‌ناشدنی از خود برجای گذاشته است.

خانه قاضی: این بنا واقع در مرز محله بهبهانی و شنبندی بوشهر، کوچه طاق خونی، تزئینات گچبری به شکل گل و بوته دارد و در ورودی مقرنس‌کاری شده و دارای در و پنجره‌های نفیس منبت‌کاری شده و پنجره‌هایی با شیشه‌های رنگی است.

دیگر آثار ارزشمند تاریخی شهرستان بوشهر: این آثار عبارتند از: عمارت شهرداری (امیریه) - مرقد شیخ حسین چاه‌کوتاهی در محله امامزاده - عمارت دریاییگی (که منهدم و در جای آن، هتل دلوار و مجتمع فرهنگی و هنری بوشهر ساخته شده است.) در خیابان رئیس علی دلواری - مسجد و مرکز محله شیخ سعدون، خیابان خلیج فارس، مسجد و مرکز محله بهبهانی، خیابان انقلاب - مسجد و مرکز محله شنبندی، مسجد نو یا مسجد کازرونی - در محله شنبندی - براهه حاج سید محمدرضا کازرونی، خیابان انقلاب - مسجد و مرکز محله دهدشتی، محله دهدشتی - مدرسه گلستان، محله شنبندی - مجموعه مسکونی حاج رئیس، خیابان خلیج فارس - مسجد عباس علی، خیابان خلیج فارس - عمارت سازمان میراث فرهنگی، خیابان خلیج فارس - تجارت‌خانه سید محمدرضا کازرونی، اوقاف سابق واقع در خیابان خلیج فارس - خانه دهدشتی، محله بهبهانی - کلیسای آرامنه، خیابان آرامنه - کلیسای ظهور، خیابان خلیج فارس - عمارت گمرک، محله سنگی - عمارت استانداری سابق، قنصلگری قدیم انگلیس - بازار قدیم ماهی‌فروشان - آهنگران و ... در محله شنبندی ... کارخانه نساجی قدیم بوشهر، در بهمنی - مسجد جمعه، مسجد قدیم - خیابان انقلاب ساختمان گمرک، چهاربرج - عمارت ژرمنی، مقر سابق فرماندهی انگلیس که اشتباهاً آن را ژرمنی می‌نامند، و عمارت سبزآباد و دهها عمارت و آثار ارزنده قدیمی دیگر که هر کدام از آنها برای جهانگردان می‌تواند عبرت‌آموز باشد.

جزیره خارک و آثار باستانی موجود در آن: جزیره خارک یا به قول جلال آل احمد «دُرّ یتیم خلیج فارس» در نزدیکی بندر بوشهر واقع شده است و قدمتی بس طولانی به درازای تاریخ دارد. در قسمتی از کوهستان جزیره، قبرهای زیادی احداث گردیده و با توجه به عمق کم و سطح مُدور بعضی از قبرها می‌توان آنها را به زردشتیان نسبت داد. بر روی برخی دیگر نیز که دارای



مدخلهای کوتاهی است، نقش صلیب دیده می‌شود و مشخص‌کننده این است که مسیحیان، مُرده‌های خود را در آنجا به خاک می‌سپرده‌اند.

هرتسفلد، باستان‌شناس معروف، درباره این مقابر می‌نویسد: «دو تا از قبرها از نظر معماری قابل ذکراند. نمای آنها با تزیینات و حواشی درگاه‌ایشان، معماری دوره هلنی یونان را به یاد می‌آورد. اما جزئیات نقشها غیر یونانی و عجیب است و شباهتهایی با بناهای دوران اردشیر در فیروزآباد دارد. این شباهتها، این آثار را به قرن سوم میلادی منسوب می‌کند و این تاریخ را طرح و نقشه بنا تأیید می‌کند که هر کدام دخمه‌هایی هستند برای حدود پنجاه گور.

یک هیئت باستان‌شناس فرانسوی نیز دو قبر سنگی مربوط به هزار سال پیش از میلاد را طی کاوشی کشف کردند.

در این جزیره، یک معبد «پوزئیدن» یعنی خدای دریاها وجود دارد که مورد علاقه و احترام ملّاحان بوده است. پروفیسور گیرشمن درباره این معبد، که اکنون در انتهای مقبره «میرمحمد حنفیه» قرار دارد، می‌نویسد: «به طوری که از حفریات برمی‌آید، در قرن چهارم میلادی، معبد ویران شد و بر خرابه‌های آن، آتشکده زرتشتی بنا شد. سکه هرمز، که در آغاز قرن چهارم سلطنت می‌کرد، تاریخ احتمالی بنای مجدد معبد را نشان می‌دهد».

در قسمت غربی جزیره خارک، بقایای یک کلیسا و یک صومعه وجود دارد که احتمالاً متعلق به جامعه مسیحیان در زمان ساسانیان است. در کلیسا، قبری با قطعات بزرگ سنگ تراشیده شده و صحن سه‌گانه‌ای وجود دارد که به سبک معماری ساسانی، قسمت میانی از جنبها بزرگ‌تر است. صحن، جای همسرایان و دیوارهای خارجی خزانه جامه‌خانه را با گچ اندود کرده‌اند. چندین برگ خرما به سبک ساسانی، قسمتهای فوقانی دیوارها را زینت می‌بخشند. تزیینات حجاری شده به بنای ساسانی طاق بُستان شباهت دارد. از این رو می‌توان گفت که این کلیسا در حدود سده پنجم یا ششم میلادی بنا شده است. صومعه حدود شصت حجره دارد که هر یک، از سه قسمت کوچک تشکیل شده است.



ویرانه کوچکی در همان حوالی وجود دارد که احتمالاً خانه‌ای مربوط به همان دوره ساسانی است قلعه هلندیها در شمال شرقی جزیره قرار گرفته است. این بنا را بارون کینپ هاوزن در ۱۷۴۸م بنا کرده است. این قلعه برج و بارویی هم داشته که اکنون خرابه‌ای بیش نیست.

بقعه امامزاده میرمحمد: بنای امامزاده میرمحمد، همچون نگینی بر روی این جزیره خودنمایی می‌کند. این بقعه که تاریخ ۷۳۸ق را بر خود دارد مربوط به حکمرانی سلجوقیان است. این بنا با دو گنبد، یکی هرمی شکل مضرّس و دیگری گنبدی کوچک مدور، زیبایی خاصی دارد.

فضای درونی این بقعه با کاشیهای ستاره‌ای و هشت ضلعی تزیین شده است. براساس عقیده عامه، این بقعه، آرامگاه محمد حنفی، فرزند حضرت علی «ع» است که البته کتیبه‌ای بدین مضمون نیز در آن موجود است.

«هذه المشهد امیرالمؤمنین محمد بن امیرالمؤمنین علی (کتیبه حسین النجاری)»

بُرازجان و آثار گذشتگان: برازجان که مرکز دشتستان است در ۷۵ کیلومتری شمال شرقی بندر بوشهر واقع شده و آب و هوایی نسبتاً خشک و گرم دارد. محوطه‌های باستانی بسیاری در منطقه دشتستان واقع گردیده که اخیراً نیز طی کاوش باستان‌شناسی در این منطقه آثاری از یک معبد و بافت شهری از دوره ساسانی کشف شده در اینجا برای جلوگیری از تطویل کلام، آثار باستانی موجود در آن را فهرست‌وار نام می‌بریم: ۱- تل خندق، در شمال برازجان؛ ۲- کاخ هخامنشی بردک سیاه، کاخ زمستانی داریوش در دوازده کیلومتری شمال برازجان؛ ۳- کاخ کورش، در جنوب شرقی برازجان که از پایگاههای مهم ایران دوره هخامنشی در ساحل خلیج فارس بوده است؛ ۴- تل مرو در جنوب شرقی برازجان، نزدیک به کاخ هخامنشی، در گویش محلی به معنای تپه گرد است؛ ۵- تل پهن، نزدیک تل مرو؛ ۶- تل طلسمی، در جنوب برازجان، احتمالاً مربوط به دوره ساسانی است. در این محوطه، تعداد زیادی گل میخهای تزیینی مربوط به تمدن عیلامی وجود دارد؛ ۷- تئب کرو یا آب انبار درخت، حدود دوازده کیلومتری شرق برازجان؛ ۸- غار چهل خانه، در شمال بخش سعدآباد از توابع برازجان؛ ۹- دژ برازجان، کاروان سرای دوره زندیه.

سیراف: سیراف به فاصله ۲۴۰ کیلومتری جنوب شرقی بندر بوشهر، کنار ساحل قرار گرفته است. روزگاری، مهمه ناخدایان، جاشوان و بازرگانان هماهنگ با غوغای برخورد امواج بر دیوار



ساحلی، این بندر را یکی از پُر جوش و خروش‌ترین بنادر جهان ساخته بود و امروز، خاموشی و آرامشی پایان‌ناپذیر، ویرانه‌های آن را در آغوش دارد.

مورخان بسیاری مانند سُلیمان سیرافی، مسعودی، استخری، ابن بلخی، مقدسی، یاقوت حموی و ... به این بندر باستانی اشاراتی دارند.

استخری در کتاب *مسالک و ممالک* خود می‌نویسد: «سیراف با شیراز برابری می‌کند. بندری است گرمسیری، خانه‌های آن را از چوب ساج و چوبهای دیگری که از هندوستان و زنگبار می‌آورند، بنا می‌کنند. بازرگانانی ثروتمند دارد تا جایی که برخی از آنان برای ساختن خانه خود تا سی هزار دینار خرج می‌کنند».

مقدسی می‌نویسد: «در همه کشورهای اسلامی، زیباتر و شگفت‌انگیزتر از خانه‌های سیراف ندیدم و هر خانه تا صد هزار درهم خرید و فروش می‌شد».

وجه تسمیه سیراف با توجه به سابقه تاریخی آن و کشفیات باستان‌شناسی که قدمت این بندر را به دوره ساسانی می‌رساند به اردشیر بابکان نسبت داده‌اند. براساس این نظریه، اسم اولیه آن «اردشیر آب» بوده که در گذر تاریخ تبدیل به سیراف شده و این بدان جهت بوده که اردشیر در کار ایجاد این بندر به جهت اهمیت آب و موقعیت سخت جغرافیایی به تأسیس یک شبکه آب‌رسانی همت گمارده بود.

کشف دخمه‌های ساروجی و استودانهایی که در دامنه کوهستان، مشرف بر شهر قرار گرفته و راه سنگ‌فرش ساسانی که از فیروزآباد تا سیراف ادامه داشته، پایه‌گذاری این بندر را در دوره ساسانی اثبات می‌کند، ولی ترقی و شکوه و جلال این بندر در قرون اولیه اسلامی به وجود آمد.

ناخدایان و دریانوردان سیراف، شهره آفاق بوده و بسیار در این باره نوشته و گفته‌اند و نه تنها در کار دریانوردی، استادان بی‌رقیب، بلکه در کار شناسایی دریاها و ملت‌های گوناگون، صاحب نظر و تجربه بوده‌اند، از جمله سلیمان و ابوزید سیرافی، نویسندگان *سلسله التواریخ* مشهورترین آنان هستند. کشتیهای سیرافی، علاوه بر سفر به چین، به سواحل آفریقای شرقی از جمله موزامبیک و ماداگاسکار طی طریق می‌کردند. همه کالاهای صادره از کشورهای اسلامی به چین و هند و کلیه



کالاهای تجارتهای وارد از هند و چین و جاوه و سوماترا و ساحل شرقی آفریقا در سیراف بزرگ متمرکز بود.

بازمانده‌های سیراف در کنار ساحل به درازای تقریباً چهار کیلومتر و پهنای هفتصد متر (در وضع کنونی) بین دریا و کوه جای گرفته است. بدون شک، شهر به روزگار رونق و آبادانی، گستردگی بیشتری داشته که به جهت پیشرفت آب، که هنوز هم تاحدودی ادامه دارد، بخشی از بندر به زیر آب فرو رفته است.

مهم‌ترین بنای عمومی سیراف، مسجد جامع شهر بود و مسجد را بر روی ویرانه‌های یک دژ ساسانی بنا کرده بودند مسجد بزرگ از سه سمت تا بازار مرتبط بوده است که البته تاریخ بنای بازار و مسجد را باید هم زمان دانست.

مراکز و چون کارخانه روغن‌کشی نهنگ، کاروان‌سراها، انبارهای کالا، حمام و مراکز نظامی و زرادخانه و همچنین بنایی شبیه به کلیسا در کاوشهای سیراف شناخته شده، کوره‌های سفالگری و شیشه‌گری در خارج از دیوار شهر قرار داشته و کشف یک ساختمان بزرگ که بر تپه‌ای مشرف به دریا بنا گردیده، احتمال مراکز اداری یا حکومتی سیراف را تأیید می‌کند. خانه‌ها از سنگ و ساروج و گچ ساخته شده و غالباً دارای طبقات متعدد بوده‌اند که این خود یکی از ویژگیهای سیراف به‌شمار می‌رود.

در دامنه کوهستان مشرف بر بندر، گورستان بزرگ شامل گورهای کنده شده در سنگ و چاههای عمیقی (۴۵ متر) جای گرفته است. در گورهای سیراف، مردگان در جهات مختلف و به پشت در حالی که صورت آنان رو به آسمان است دفن شده‌اند.

بندر سی‌نیز: آثار خرابه‌های سی‌نیز قدیم در دامنه‌های ارتفاعات تپه مانند نزدیک خور امام حسن و در حدود بیست کیلومتری بندر دیلم واقع است. سی‌نیز تا ۳۲۱ق، که آغاز قیام قرامطیان است، بندری آباد و پررونق بوده است. در این زمان، قرامطیان، آن را ویران کردند. در سی‌نیز قدیم، اطلال آکنده از سنگ، ملات گچ و سنگهای دریایی حصار خانه‌ها، آب انبار، چاه، آب‌ریز و گرمابه که بر روی هم انباشته شده‌اند، وجود دارد.



آتشکده کوه مُند: در بیست کیلومتری خورموج واقع شده است. این آتشکده در دل کوه مُند تراشیده شده است. تالار چهارگوش و مربع شکل دارد که در وسط آن، آتشدان مدوری قرار گرفته است.

آثار باستانی کوه‌های تنگ اَرَم: در مرتفع‌ترین قسمت این کوه‌ها بقایای چهار اتاق مستطیل و مربع شکل متعلق به دوره ساسانی، مشاهده می‌شود که با قلوه سنگ و ساروج ساخته شده است. در پایین این مجموعه، چهار آب انبار بیضی شکل قرار دارد.

از همه این آثار، با تورهای قابل دسترس و هزینه ارزان می‌توان در چند روز بازدید کرد.

در سایر نقاط استان بوشهر، آثاری پراکنده یافت می‌شود که می‌تواند موجب جلب جهانگردان شود. اما آنچه بسیار اهمیت دارد، همانا استفاده از دریا و آفتاب و تفریحات پاییزه و زمستانی است که می‌تواند در این دو فصل سال مؤثر واقع شود.^{۲۵}

در اینجا لازم به توضیح است که در کمتر نقطه‌ای در غرب آب و هوایی چنین مساعد و دریایی بدین زیبایی در فصل زمستان را می‌توان شاهد بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. الوانی، مهدی و زهره دهدشتی شاهرخ، اصول و مبانی جهانگردی، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، مقدمه با جرح و تعدیل و تصرف.
۲. حمیدی، سیدجعفر، بستر جغرافیایی قیام جنوب ایران، مجموعه مقالات کنگره رئیس‌علی دلواری، ص ۱۲.
۳. همان، ص ۱۴.
۴. مصطفوی، محمدتقی، آثار باستانی در خلیج فارس، جلد ۲، سمینار خلیج فارس، نشر رادیو ایران، ۱۳۴۲، ص ۱۰۵.
۵. حمیدی، همان، ص ۱۴-۱۵.
۶. کامرون، جورج، ایران در سینه‌دم تاریخ، مترجم حسن انوشه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵، ص ۷۷؛ نیز نک: سیدقاسم یاحسینی، بوشهر از آغاز تا ایلام، کیهان فرهنگی شماره ۷، ۱۳۶۹، به نقل از عبدالکریم مشایخی، مدرسه سعادت بوشهر از چند زاویه، انتشارات مرکز بوشهرشناسی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۲.
۷. نوری‌زاده بوشهری، اسماعیل، سرزمین کنونی ایران و خلیج فارس، چاپخانه روزنامه امید، چاپ اول، ۱۳۲۵، ص ۱۲۶-۱۲۳، به نقل از عبدالکریم مشایخی، همان، ص ۱۳-۱۲.
۸. برای اطلاع بیشتر از آثار تاریخی شهرهای قدیمی توز و برازجان، ر.ک؛ سروش، اتابک زاده؛ جایگاه دشتستان در سرزمین ایران، انتشارات نوید شیراز، چاپ اول، ۱۳۷۳، به نقل از مشایخی عبدالکریم، همان، ص ۱۳.
۹. کرزن، جرج، ایران و قضیه ایران، جلد دوم، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، ص ۲۸۳.



۱۰. گیرشمن، رومن، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه محمد معین، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ نهم، ۱۳۷۲، ص ۲۶۲.
۱۱. *کارنامه اردشیر بابکان*، به کوشش محمد جواد مشکور، تهران، دنیای کتاب، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۲۳۱.
۱۲. آلفونسو، گابریل، *تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران*، ترجمه مصطفی خواجه‌نوری، تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۸، ص ۴۷ و سیدجعفر حمیدی، *بستر جغرافیایی قیام جنوب ایران*، ص ۱۴.
۱۳. کریستن سن، آرتور، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، انتشارات دنیای کتاب، چاپ هشتم، ۱۳۷۲، ص ۵۴۹.
۱۴. اقتداری، احمد، *آثار شهرهای باستانی ایران (سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان)*، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، چاپ اول، ۱۳۴۸، ص ۷۸-۷۵.
۱۵. بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، ترجمه مصطفی خواجه‌نوری، تهران، انتشارات ابن سینا، چاپ اول، ۱۳۴۸، ص ۴۷ و همچنین ر.ک: میرزا حسن فسائی، *فارسنامه ناصری*، چاپ اول، ص ۱۷۶.
۱۶. *فارسنامه ناصری*، جلد اول، ص ۱۷۶.
۱۷. بلاذری، همان، ص ۱۴۳.
۱۸. ویلم، فلور، *حکومت نادرشاه*، ترجمه ابوالقاسم سری، مشهد، انتشارات توس، ۱۳۶۸، ص ۱۵۳، به نقل از عبدالکریم مشایخی، همان، ص ۱۶.
۱۹. سایکس، سرپرسی، *تاریخ ایران*، جلد ۲، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، دنیای کتاب، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ص ۳۹۴.
۲۰. فسائی، میرزا حسن، *فارسنامه ناصری*، جلد دوم، ص ۱۳۲۱.
۲۱. نوری‌زاده بوشهری، اسماعیل، *سرزمین کنونی ایران و خلیج فارس*، تاریخچه حکمرانی خاندان آل مذکور.
۲۲. امین، عبدالامیر، *منافع انگلیسیها در خلیج فارس*، ترجمه علی رجبی یزدی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۰، ص ۱۱۱.
۲۳. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: *تاریخ اقتصادی، اجتماعی بشر در دوره قاجاریه*، ص ۵۷ به بعد (در نگارش این قسمت از همین مأخذ استفاده شده است).
۲۴. اولیری، دلیسی، *انتقال علوم یونانی به عالم اسلام*، ترجمه آرام، احمد، جاویدان، چاپ دوم، ۱۳۵۵، ص ۱۱۰.
۲۵. در تهیه این قسمت مقاله (آثار تاریخی و باستانی بوشهر) از آثار چاپ شده و بروشورهای موجود در استان با دخل و تصرف و به‌نحو اجمال استفاده شده است.

منابع

- آثار شهرهای باستانی ایران (سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان)، تهران، انجمن آثار ملی، چاپ اول، ۱۳۴۸.
- اتابک‌زاده، سروش، *جایگاه دشتستان در سرزمین ایران*، آثار قدیمی توز و برازجان، نوید، شیراز، چاپ اول.
- الوانی، مهدی و زهره دهدشتی شاهرخ اصول و مبانی جهانگردی، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، مقدمه با تصرف.
- امین، عبدالامیر، *منافع انگلیسیها در خلیج فارس*، ترجمه علی رجبی یزدی، تهران، امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، ترجمه مصطفی خواجه‌نوری، تهران، ابن سینا، چاپ اول، ۱۳۴۸.
- حمیدی، سیدجعفر، *بستر جغرافیایی قیام جنوب ایران*، مجموعه مقالات کنگره رئیس علی دلواری، بوشهر، ۱۳۷۳.



- دشتی، رضا، *تاریخ اقتصادی، اجتماعی بوشهر در دوره قاجاریه با تکیه بر نقش تجار و تجارت*، پازینه، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- زنگویی، عبدالمجید، *ترانه‌های فایز*.
- سایکس، سرپرسی، *تاریخ ایران*، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، دنیای کتاب، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
- فسایی، میرزا حسن، *فارسنامه ناصری*، به کوشش دکتر منصور رستگار فسایی، تهران، امیرکبیر.
- فلور، ویلم، *حکومت نادرشاه*، ترجمه ابوالقاسم سری، مشهد، توس، ۱۳۶۸.
- کامرون، جرج، *ایران در سبیده دم تاریخ*، جرج کامرون، مترجم حسن انوشه، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- کرزن، جرج، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی.
- کریستن، سن آرتور، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب، چاپ هشتم، ۱۳۷۲.
- گابریل، آلفونسو، *تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران*، ترجمه مصطفی خواجه‌نوری، تهران، ابن سینا، ۱۳۴۸.
- گیرشمن، رومن، *ایران از آغاز تا اسلام*، ترجمه دکتر محمد معین، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ نهم، ۱۳۷۲.
- مشکور، محمد جواد، *کارنامه اردشیر بابکان* دنیای کتاب، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۹.
- مصطفوی، محمدتقی، *آثار باستانی در خلیج فارس*، سمینار خلیج فارس نشر رادیو ایران، ۱۳۴۲.
- نوری‌زاده بوشهری، اسماعیل، *سرزمین کنونی ایران و خلیج فارس*، چاپ روزنامه ایران، چاپ اول، ۱۳۲۵.
- یاحسینی، سید قاسم، *بوشهر از آغاز تا ایلام*، کیهان فرهنگی، شماره ۷، سال ۱۳۶۹.